

دوفصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صص ۱۳۸-۱۱۷

تأثیر مقیاس‌های جغرافیایی محلی، ملی و جهانی در توسعه گردشگری استان کردستان^۱

مختار بهرامی^۲، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، دانشگاه تهران
رسول افضل‌ی، دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران
محمد رضا رضوانی، استاد جغرافیای روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران
هادی سلیمانی، پژوهشگر دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۵/۱۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

چکیده

گردشگری، فعالیتی پیچیده و چند بعدی است و برنامه‌ریزی برای توسعه آن نیازمند سازگاری و هم‌سویی اقدامات در سطوح مختلف تصمیم‌گیری است. توسعه گردشگری، زمانی امکان‌پذیر است که اقدامات عملی در مقیاس محلی با سیاست‌گذاری کلان در مقیاس ملی و روندهای در حال گذار در مقیاس جهانی در یک جهت قرار گیرند. این پژوهش بر آن است تا اثرات مقیاس‌های محلی، ملی و جهانی را بر توسعه گردشگری در استان کردستان در غرب ایران بررسی نماید و سپس با تعیین مهم‌ترین مقیاس اثرگذار بر توسعه گردشگری در محدوده مورد مطالعه، مهم‌ترین عواملی را که در مقیاس‌های سه گانه فوق‌منجر به وضعیت عدم توسعه گردشگری در این مکان شده است، شناسایی کند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق در آن توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری داده‌ها نیز اسنادی و پیمایشی است. فرض اصلی تحقیق این است که مقیاس ملی با توجه به ماهیت بینابینی خود، بیشترین اثرگذاری را بر عدم توسعه گردشگری دارد و عوامل سیاسی که لزوماً درون حوزه گردشگری قرار نمی‌گیرد، مهم‌ترین دلایل عدم توسعه گردشگری در استان کردستان به حساب می‌آید. یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی تحقیق هر دو فرضیه تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد. بدین معنی که مقیاس‌های ملی، جهانی و محلی به ترتیب بیشترین اثرات را بر به‌وجود آمدن وضعیت موجود داشته و «ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل» و «وجود رویکرد امنیتی و سیاسی نسبت به جامعه محلی» در مقیاس محلی، «دیدگاه سیاسی و دینی ایدئولوژیک نسبت به سیاست‌گذاری گردشگری» در مقیاس ملی و «روابط تیره سیاسی میان ایران و کشورهای غربی» در مقیاس جهانی، مهم‌ترین عوامل عدم توسعه گردشگری در استان کردستان است.

کلیدواژه‌ها: توسعه گردشگری، مقیاس‌های محلی، ملی و جهانی، استان کردستان.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری دانشگاه تهران با عنوان «تحلیل اثرات عوامل مقیاس‌های جغرافیایی محلی، ملی و جهانی در توسعه گردشگری استان کردستان» است.

۲. نویسنده مسئول:

مقدمه

هم اکنون گردشگری به عنوان بازیگر عمده‌ای در تعامل بین سطوح محلی و جهانی، به‌ویژه در فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود (تاکر^۱، ۲۰۰۳: i)، به طوری که عموماً به عنوان بزرگ‌ترین صنعت (یا فعالیت) جهان معرفی می‌شود (هال و پیچ^۲، ۲۰۰۴: ۱). درباره این‌که گردشگری در بین صنایع و فعالیت‌های اقتصادی جهان دقیقاً چه رتبه‌ای دارد، اظهارنظرهای بسیاری ارائه شده، گاهی بعد از صنعت نفت در رتبه دوم می‌آید و گاهی بعد از نفت و خودروسازی به عنوان سومین صنعت بزرگ جهان معرفی می‌شود. مسلم است که گردشگری امروزه یکی از بزرگ‌ترین فعالیت‌های اقتصادی جهان است و تمامی شواهد نیز از رشد روزافزون آن در آینده خبر می‌دهند. گردشگری که آن را صادرات نامریی هم می‌نامند، فعالیتی وسیع است و ابعاد فراوانی به خود می‌گیرد، به طوری که برای توسعه آن نیاز است بخش‌های دیگری از اقتصاد و جامعه فعال شوند تا در یک بازه زمانی معین گردشگری به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خود دست یابد.

گردشگری یکی از بنیان‌های جهانی‌سازی و نماد بارز در هم فشردگی فضا-زمان در عصر پسامدرن است. یکی از ویژگی‌های گردشگری در عصر پسامدرن آن است که پول و گردشگر از مراکز به پیرامون حرکت می‌کنند، یعنی یک جریان مداوم سرمایه و انسان از مرکز به پیرامون وجود دارد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۴). به موازات این‌که شمار بیشتری از مردم به توانایی، ابزارها و آزادی برای مسافرت دست یافته‌اند، نه تنها گردشگری به طور فزاینده‌ای دموکراتیزه شده، بلکه هم‌مقیاس و هم‌حوزه گردشگری به طور پیوسته‌ای رشد کرده است (تلفر و شارپلی^۳، ۲۰۰۸: ۱).

مقیاس به سطح یا تعدادی از سطوح بازنمایی، تجزیه و تحلیل و سازمان‌دهی رویدادها و فرآیندهای جغرافیایی دلالت می‌کند. به عبارت دیگر مقیاس، بازنمایی واقعیت و گاهی سطح تجزیه نامیده می‌شود. جغرافیا با مقیاس‌های متعددی در ارتباط است. به طور سنتی جغرافی‌دانان در مقیاس‌های فضایی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و قاره‌ای کار

می‌کنند تا دریابند که یک پدیده یا فرآیند در چه مقیاسی بر تصمیم‌گیری‌های انسانی تأثیر می‌گذارد (آذرخواه، ۱۳۹۰: ۱۳). مفهوم مقیاس، معانی متعدد و متنوعی را در بر می‌گیرد. موارد شمول و تقسیمات آن به صورت مقیاس کارتوگرافیکی، مقیاس روش‌شناختی و مقیاس جغرافیایی بیان می‌گردد (ذکی، ۱۳۸۸: ۱۶). در این تحقیق آنچه مطرح است، مقیاس جغرافیایی و انواع آن است.

بیشتر جغرافی‌دانان به طور گسترده‌ای از مفهوم مقیاس‌های جغرافیایی استفاده می‌کنند که در تعریف مرزهای فضایی فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی به کار می‌رود. مقیاس‌های جغرافیایی دارای اصول متفاوتی از دو مفهوم پیشین است و چیزی بیشتر از انتخاب روش‌شناختی یا مقیاس نقشه است و ممکن است فرآیندهای فضایی را در ماهیت خودشان داشته باشند (آذرخواه، ۱۳۹۰: ۱۵). جغرافی‌دانان سیاسی در بررسی دقیق‌تر رخدادهای و تحولات، پایه‌ی تحلیل خود را نه بر مقیاس خاص مانند مقیاس دولت - ملت یا مقیاس خاص جهانی، بلکه با تمرکز بر روابط سطوح مقیاس‌های فضایی و تأثیرات متقابل آن‌ها این کار را انجام می‌دهند. در این حالت جغرافی‌دانان با یک تأثیر متقابل محلی - جهانی سر و کار دارند، به گونه‌ای که در آن رویدادهای محلی شکل‌دهنده ساختارهای جهانی هستند، ساختارهایی که متعاقباً و به کرات بر رویدادهای محلی تأثیر می‌گذارند (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۹: ۱۱).

این پژوهش در نظر دارد تا با در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که مقیاس‌های مختلف جغرافیایی، از مقیاس محلی گرفته تا مقیاس جهانی، برای توسعه گردشگری استان کردستان ایجاد می‌کنند، وضعیت کنونی گردشگری استان را در بستری علمی شناسایی و تحلیل کند. پرداختن به مسائل فوق در مقیاس‌های محلی تا جهانی نیازمند چارچوب نظری مستحکم و منسجمی است تا در نهایت بتوان با تحلیلی درست از تمامی ابعاد این موضوع، به درکی صحیح از مسأله رسید.

برای بررسی نقاط ضعف گردشگری استان کردستان در مقیاس‌های محلی، ملی و جهانی از نظریه نظام‌های جهانی تیلور^۱ استفاده شده است. این نظریه از جمله نظریه‌های

۱. Taylor

جغرافیای سیاسی و ژئوپلتیک انتقادی بوده و توجه اصلی آن بر تحلیل و تشریح روابط متقابل مقیاس‌های فضایی سه گانه (محلی، ملی و جهانی) است که با توجه به موضوع این تحقیق، چارچوب نظری مورد نیاز را فراهم می‌آورد تا محقق در بستر نظری معینی سیر کرده و در پایان به شناختی درست و عقلانی از موضوع مورد پژوهش دست یابد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد مقیاس ملی در عدم توسعه گردشگری استان کردستان تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.
۲. به نظر می‌رسد عوامل سیاسی در هر سه مقیاس محلی، ملی و جهانی بیشترین نقش را در عدم توسعه گردشگری در استان کردستان ایفا می‌کنند.

مبانی نظری

جهانگردی، فعالیت نسبتاً پیچیده‌ای است که چندین بخش جامعه و اقتصاد را دربرمی‌گیرد (سازمان جهانی جهانگردی، ۱۳۹۰: ۱۱). گستردگی، درهم آمیختگی، تنوع و میان‌رشته‌ای بودن از ویژگی‌های ذاتی گردشگری است. گردشگری برای سازمان‌دهی خود بر بخش‌های اقتصادی مختلفی متکی است و از عناصر فراوانی تشکیل می‌شود. جاذبه‌ها، حمل و نقل، پذیرایی، جامعه میزبان، گردشگران، سازمان‌های توزیع‌کننده، بخش خصوصی و عمومی و ... از جمله عناصر و عوامل تأثیرگذار بر گردشگری هستند.

تاکنون درباره این‌که در یک چشم‌انداز تاریخی چه عواملی به رشد و تکامل گردشگری یاری رسانده‌اند و زمینه‌های شکل‌گیری و شکوفایی آن در دوره‌های مختلف چه بوده است، عوامل مختلفی از قبیل افزایش ساعات فراغت از کار، تکامل و پیشرفت حمل و نقل، افزایش تبلیغات، ارتقای سطح فرهنگ و بینش اجتماعی، شهرنشینی و نیاز به دور شدن از هیاهوی شهرها و ... ذکر شده است، اما آنچه در این تحقیق مطرح است، عواملی است که می‌تواند در عصر حاضر بر رشد و توسعه گردشگری در یک مکان

خاص تأثیر بگذارند. در واقع مسأله تحقیق این است که بعد از فراهم شدن زمینه‌های توسعه گردشگری در سطح جهان، منطقه مورد مطالعه تا چه اندازه توانسته از این امکانات بهره گرفته و سهم خود را از مزایای مختلف گردشگری به دست آورد. در اینجا به طور کل عوامل عمده تأثیرگذار بر گردشگری که در نقاط مختلف جهان و از طرف محققان مختلف مطرح شده‌اند، بررسی می‌شود و در ادامه این عوامل در منطقه مورد مطالعه ارزیابی خواهند شد.

عناصر و عوامل مؤثر بر گردشگری

برای ارائه تحلیلی منطقی‌تر از دلایل توسعه یا عدم توسعه گردشگری ناگزیریم بین دو مفهوم «عناصر گردشگری» و «عوامل مؤثر بر گردشگری» تمایز قائل شویم. منظور از عناصر گردشگری، بخش‌ها و اجزایی هستند که در سیستم گردشگری عمل می‌کنند و هر کدام بخشی از مراحل سفر را پوشش می‌دهند که حمل‌ونقل، خدمات اقامت‌گاهی، پذیرایی، جاذبه‌ها و ... از آن جمله هستند. از طرف دیگر منظور از عوامل مؤثر بر گردشگری مواردی است که کل نظام گردشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این صورت امنیت، ایدئولوژی، دیپلماسی سیاسی، موقعیت جغرافیایی و ... مواردی هستند که فارغ از فراهم بودن یا نبودن عناصر گردشگری، می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر توسعه یا عدم توسعه گردشگری داشته باشند.

عناصر گردشگری همان ابزارهای مادی مورد نیاز برای توسعه گردشگری و سازوکارهای نهادی و سازمانی برای بهره‌برداری از آنها هستند. گردشگری به این عناصر نیاز ذاتی دارد، بدین معنی که در فقدان آنها توسعه گردشگری غیرممکن می‌شود. گاهی از عناصر گردشگری با عنوان «منابع گردشگری» نیز یاد می‌شود.

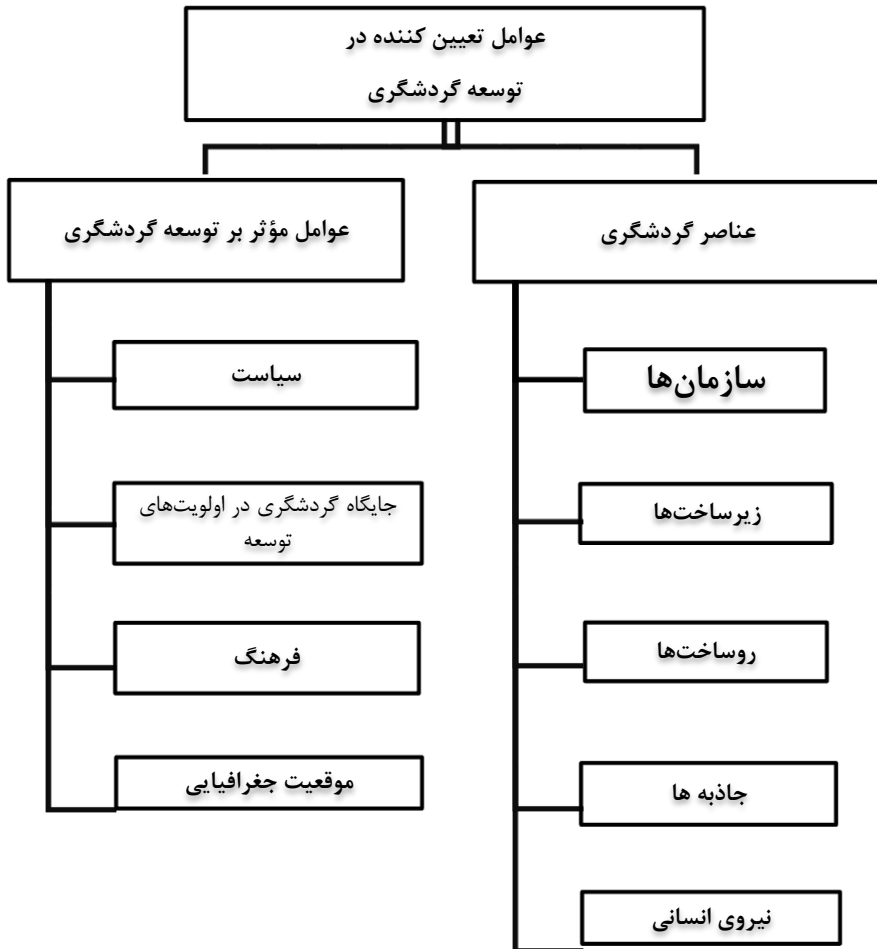
گولدنر و ریچی^۱ در اثر مهم خود با عنوان «گردشگری: اصول، تجارب و فلسفه‌ها» و در بخش دوم کتاب با عنوان «گردشگری چگونه سازمان‌دهی می‌شود؟» در پنج فصل مجزا به عناصر مختلفی که فعالیت گردشگری را تشکیل می‌دهد، پرداخته‌اند. سازمان‌های

۱. Goeldner and Ritchie

جهانی، ملی، منطقه‌ای و دیگر سازمان‌ها، حمل‌ونقل مسافر، پذیرایی و خدمات مرتبط، سازمان‌های مرتبط با فرآیند توزیع و جاذبه‌ها، سرگرمی، تفریح و ... عناصر و شاکله‌هایی هستند که این دو نویسنده به آن‌ها اشاره می‌کند و نقش و تأثیر هر کدام را در توسعه گردشگری به طور مفصل شرح می‌دهند (گولدنر و ریچی، ۲۰۰۹: ۸۹-۲۳۴).

گی^۱ در اثر ماندگار خود با عنوان «جهانگردی در چشم‌اندازی جامع» به طور ضمنی نقش عواملی همچون سازمان‌های خدماتی، حمل‌ونقل، اقامتگاه‌ها و خدمات پذیرایی، سیستم توزیع خدمات و محصولات جهانگردی، محصولات و خدمات ویژه، بازاریابی، نقش دولت در مدیریت و سیاست‌گذاری جهانگردی، نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین-المللی، برنامه‌ریزی جهانگردی و توسعه مقصد جهانگردان و توسعه و برنامه‌ریزی منابع انسانی را در توسعه گردشگری بررسی کرده است (گی، ۱۳۸۲). همچنین از نظر اینسکیپ^۲ اساس شناخت و درک برنامه‌ریزی گردشگری آگاهی از اجزا و عناصر توسعه صنعت گردشگری و ارتباط آن‌ها با همدیگر است. طبقه‌بندی‌های مختلفی از این عناصر در متون گردشگری وجود دارد، اما اساس تمام آن‌ها یکسان است. به همین ترتیب او فعالیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری، اقامتگاه، سایر امکانات و خدمات گردشگری، امکانات و خدمات حمل‌ونقل، سایر زیرساخت‌ها و عناصر سازمانی (نهادی) را مهم‌ترین عناصر گردشگری می‌داند (اینسکیپ، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۶).

در حالی که تصور عمومی بر این است که عناصر گردشگری مهم‌ترین فاکتورهایی هستند که بر توسعه گردشگری تأثیر می‌گذارند، اما در ورای این تصور عمومی برخی عوامل نامریبی وجود دارند که گاهی اثراتی دو چندان بر توسعه گردشگری و مسیر توسعه آن می‌گذارند.



شکل ۱. عناصر گردشگری و عوامل مؤثر بر آن (منبع: یافته‌های تحقیق)

نظریه نظام‌های جهانی تیلور^۱ بر آن است که با تقسیم‌بندی و لایه‌بندی مقیاس‌های جغرافیایی در سه رده جهانی، ملی و محلی، مبنایی تحلیلی را ارائه دهد که ضمن تأکید بر روابط پیچیده آن‌ها، ویژگی‌های منحصر به فرد و تمایزات آن‌ها را نیز گوشزد کند. ساختار این نظریه بر مبنای نوشته‌های آندره گوندر فرانک^۲، سمیر امین^۳ و امانوئل

۱. Peter J. Taylor

۲. Samir Amin

۳. Andre G. Frank

والراشتاین^۱ است (مویر^۲، ۱۳۷۹: ۳۹۲). امانوئل والراشتاین، نظریه پرداز اقتصاد سرمایه-داری جهانی شناخته شده است. وی «جهان سوم» را مردود دانست و ادعا نمود، تنها یک جهان وجود دارد که از طریق شبکه پیچیده‌ای از روابط اقتصادی با هم در ارتباطند. طرفداران این نظریه با تحلیل وحدت‌گرایانه معتقد به تنها یک کلیت مفرد، یعنی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری هستند (آذرخواه، ۱۳۹۰: ۳۵). نظریه والراشتاین نیز متأثر از نظریات فرانک و مکتب وابستگی بود که در توضیح اقتصاد جهانی به ساختار «مرکز-پیرامون» معتقد بودند، با این تفاوت که والراشتاین قائل به نیمه پیرامون به عنوان حد میانی مرکز و پیرامون بود. ذکر این نکته ضروری است با اینکه مرکز و پیرامون، اصطلاحاتی با ریشه جغرافیایی هستند، اما والراشتاین آن‌ها را به صورت اصطلاحاتی مکانی به کار نمی‌برد، بلکه آن‌ها را اصطلاحاتی مناسباتی و رابطه‌ای می‌داند (همان).

نظریه مرکز - پیرامون در مطالعات اقتصادی سیاسی گردشگری نیز وارد شده است و بسیاری از گردشگری به عنوان نواستعمارگرایی یاد می‌کنند که در آن موج گردشگران از کشورهای غرب/شمال به سوی کشورهای شرق/جنوب روان می‌شوند. بسیاری از نظریه‌هایی که گردشگری را شکل جدیدی از امپریالیسم معرفی می‌کنند، ریشه در نظریه توسعه اقتصادی دارند. وجود سه وضعیت اقتصادی حاکی از آن است که گردشگری شکلی از امپریالیسم یا استعمارگری است. این شرایط عبارتند از:

۱. کشورهای در حال توسعه برای تضمین درآمد، روزه‌روز به گردشگری وابسته‌تر می‌شوند،
۲. نسبت بزرگی از مخارج و منافع گردشگری به جیب سرمایه‌گذاران خارجی می‌رود؛ لذا نشت اقتصادی بالاست.
۳. افراد غیرمحلی برای تصدی شغل‌های حرفه‌ای و مدیریتی استخدام می‌شوند (ذکی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۶).

تیلور با رهیافت اقتصاد سیاسی خود و در تقسیم نظام جهانی، به مسأله مقیاس‌های جغرافیایی توجه نمود و از این رهگذر نظام جهانی والراشتاین را به عنوان روش اصلی سازمان‌دهی مطالعات خود، برای تبیین جامع، دقیق و کل‌نگرانه از پدیده‌ها قرار داده و آن را در قالب مقیاس‌های جغرافیایی جهانی، ملی و محلی پیاده کرد (میرحیدر، ۱۳۷۶:

۱. Immanuel Wallerstein

۲. Muir

۳۲). استفاده از مقیاس جغرافیایی به عنوان یک چارچوب سازمان‌دهنده، آرایش فکری مفیدی را فراهم می‌کند که در جای دیگری به طور آشکار نشان داده نشده است. اساس کار تیلور، تحلیل نظام‌های جهانی در یک چارچوب جغرافیایی بود. مفاهیم زیربنایی چارچوب جغرافیای سیاسی او، مفاهیم بسیار عمومی هستند که قابل کاربرد در دیگر سازمان‌های اجتماعی نیز هست (ذکی، ۱۳۸۸: ۱۹۶-۱۸۶).

در مدل تیلور، مقیاس‌های سه‌گانه جغرافیایی نه تنها منفرد و مجزا از هم نیستند؛ بلکه آن‌ها جریانی هستند که در مقیاس‌های سه‌گانه‌ای بروز و ظهور کرده‌اند (ذکی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴). او با قائل شدن به مقیاس دولت - ملت بیان کرد که در اقتصاد سرمایه‌داری کنونی، واحدهای سیاسی نیز دارای حدی از استقلال هستند. با در نظر گرفتن این حقیقت که انسان‌ها در یک نظام جهانی زندگی می‌کنند، عرصه‌ای که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد، بزرگتر و وسیع‌تر از جامعه محلی؛ خواه روستایی و خواه شهری آن‌هاست. در اقتصاد جاری جهانی، حوادث حیاتی که ساختار زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد در مقیاس جهانی اتفاق می‌افتد و این مقیاس نهایی انباشتی است که در آنجا بازار جهانی، ارزش‌ها را تعیین می‌کند. این مقیاس جهانی در نهایت به جوامع محلی تعدی می‌نماید؛ ولی نه به‌طور مستقیم، بلکه بازار جهانی از میان جوامع خاصی فیلتر می‌شود که به آن‌ها حکومت‌های ملی می‌گویند (ذکی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

اگرچه نمی‌توان نقطه شروع دقیقی برای مطالعات گردشگری تعیین کرد، اما زمان زیادی از آن نگذشته و در بهترین حالت می‌توان عمر مطالعات منسجم و مدون گردشگری به شکل معاصر را در حدود یک قرن تخمین زد. برای این وضعیت دلایل زیادی را می‌توان ذکر کرد، از جمله نوپا بودن فعالیت‌های گردشگری و نیز بین‌رشته‌ای بودن آن. نظریه مورد استفاده در این تحقیق نیز از قاعده مذکور مستثنی نیست و تاکنون مشاهده نشده است که به این سبک در مطالعات گردشگری مورد استفاده قرار گیرد و این مسأله محدودیت‌هایی را در بخش مبانی نظری تحقیق به وجود آورده است.

ریشه نظریه نظام‌های جهانی را باید در نظریه‌های تبیین اقتصاد جهانی سرمایه‌داری (همچون نظریه نظام جهانی والراشتاین) جست‌وجو کرد که به تازگی توسط تیلور،

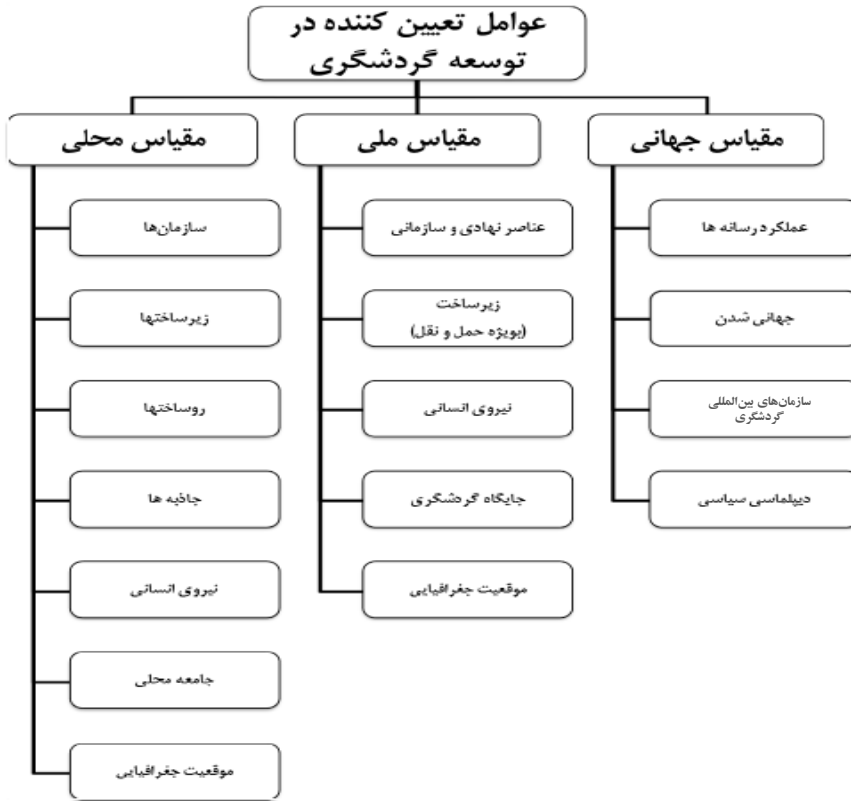
جغرافی‌دان سیاسی، وارد حوزه جغرافیا شده و توان بالایی در تبیین جغرافیایی پدیده‌های این حوزه دارد.

تحقیق پیش رو با رویکردی متفاوت با روند رایج مطالعات گردشگری در ایران قصد دارد عوامل تأثیرگذار بر گردشگری را در چارچوبی کل‌نگر در استان کردستان، به عنوان یک مقصد گردشگری، بررسی کند. بر خلاف بسیاری از تحقیقات گردشگری که در سال‌های اخیر در ایران انجام شده است، این تحقیق بر آن است حوزه بررسی عوامل مؤثر بر گردشگری را فراتر از مرزهای استان، بلکه در مقیاس ملی و جهانی در نظر بگیرد. چنین رویکردی به اعتقاد محققان پژوهش برمی‌گردد که بر آنند دلایل وضعیت کنونی مقصدهای مختلف گردشگری در ایران را نه صرفاً در داخل آن‌ها، بلکه باید در حوزه‌های بیرونی و در مقیاس‌های وسیع‌تر جست‌وجو کرد. در چنین رویکردی، محقق ضمن بررسی عوامل بیرونی تأثیرگذار بر گردشگری، از عوامل مؤثر داخلی نیز غافل نشده، بلکه این دو را در چشم‌اندازی واحد و در ارتباط با همدیگر مورد مطالعه قرار می‌دهد.

برای توسعه گردشگری، از یک طرف بستر و زمینه‌های مختلفی مورد نیاز است که در صفحات قبل با عنوان «عوامل مؤثر بر گردشگری» به بررسی آن‌ها پرداخته شد. از طرف دیگر، بخش گردشگری حاصل ترکیبی از یک سری از زیربخش‌ها است که قبلاً و با عنوان «عناصر گردشگری» شرح آن گذشت. مجموعه عوامل مؤثر بر گردشگری و عناصر آن، به ترتیب به مثابه پیش‌نیازهای اولیه و ثانویه توسعه گردشگری هستند که وجود هر کدام برای توسعه گردشگری ضروری و حیاتی است. دو فاکتور یادشده در عین ضروری و حیاتی بودن، به غایت پراکنده و متفاوت از همدیگر هستند.

برای نمونه محقق هم‌زمان با بررسی وضعیت زیرساخت‌ها و روساخت‌های گردشگری، باید سیاست‌های توسعه‌ای کشور و ایدئولوژی حاکم بر آن را نیز در نظر بگیرد، یا این‌که در حین بررسی نقش سازمان‌های محلی گردشگری، تأثیر چارچوب سازمانی کل کشور و حتی تأثیر سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی حوزه گردشگری را نیز در نظر بگیرد. شاید این گستردگی که در حوزه بررسی تحقیق دیده می‌شود، به عنوان نقدی بر آن وارد شود، اما نگارنده بر این رویکرد پافشاری می‌کند که لازمه درک وضعیت کنونی گردشگری در حوزه مورد مطالعه، همین کل‌نگری و دید سیستمی است و نیز این‌که مطالعات خرد گردشگری اگرچه مفید به نظر می‌رسد، اما این گونه تحقیقات تنها زمانی

قابلیت اجرا و استفاده دارند که در عرصه واقعی، مقصد گردشگری به حدی از بلوغ و توانایی در جذب گردشگر رسیده باشد و با تحقیقاتی از این دست در صدد رفع ایرادات و نقص‌های جزئی آن باشیم.



شکل ۲. الگوی نظری تحقیق؛ عناصر و عوامل مؤثر بر گردشگری استان کردستان در مقیاس‌های جهانی، ملی و محلی

منبع: یافته‌های تحقیق

روش تحقیق

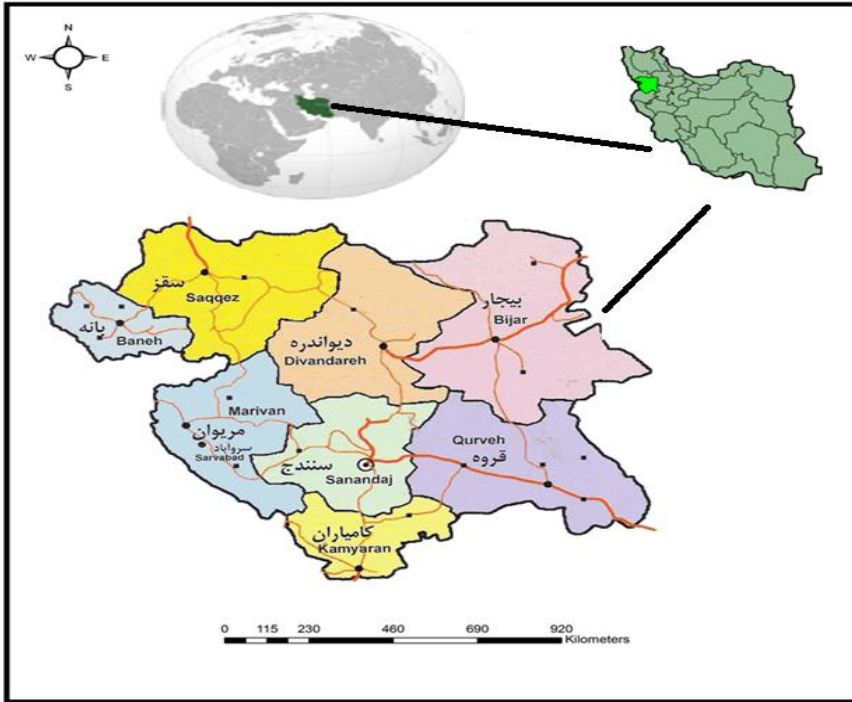
این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی و از نظر روش‌شناسی، کیفی است. همچنین هدف تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است. مهم‌ترین شیوه‌های گردآوری داده‌ها و

اطلاعات در این تحقیق استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده است. پیمایش میدانی در این تحقیق شامل حضور در میدان و مصاحبه با افراد از طریق پرسش‌نامه و یا از طریق مکاتبه بوده است. کل سؤالات پرسش‌نامه ۳۸ سؤال بوده است که از این تعداد ۳۳ سؤال به صورت بسته و در قالب طیف لیکرت و پنج سؤال دیگر به صورت باز مطرح شده است. برای سنجش وضعیت شاخص‌های مقیاس محلی ۱۵ سؤال بسته، مقیاس ملی ۱۱ سؤال بسته و مقیاس جهانی ۷ سؤال بسته مطرح شده است.

برای سنجش روایی پرسش‌نامه تحقیق از نظرات گروهی از استادان و کارشناسان استفاده شد و نواقص آن برطرف گردید. همچنین برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است که مقدار ۰,۷۲ این ضریب نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسش‌نامه است.

در این تحقیق، جامعه آماری شامل کارشناسانی است که در حوزه گردشگری، روابط بین‌الملل و گردشگری استان کردستان دارای حدی از شناخت و اطلاعات مورد نیاز هستند. بر این اساس و به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد جامعه و مشخص نبودن حجم آن، برای انتخاب حجم نمونه از روش تخمین شخصی استفاده شده است. در این روش محقق با در نظر گرفتن عواملی، شخصاً نسبت به برآورد حجم نمونه یا تعیین درصد مشخصی از جامعه اقدام می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۶۴). هم‌چنین با توجه به حد اشباع و دستیابی به پاسخ‌های مدنظر ۳۰ نفر از کارشناسانی که در حوزه‌های فوق دارای تخصص و آگاهی بوده، به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند.

برای تحلیل داده‌هایی که از پرسش‌نامه جمع‌آوری شد، از روش آمار توصیفی استفاده شده است. پردازش داده‌ها نیز به دلیل کم بودن تعداد پرسش‌نامه‌ها با استفاده از روش دستی انجام گرفته است. پس از ارائه آمار توصیفی و محاسبه میانگین شاخص هر مقیاس مورد تحلیل قرار گرفته است.



شکل ۱. موقعیت ایران در جهان و استان کردستان در ایران

یافته‌ها

در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ زیر شاخص‌های هر مقیاس بر اساس مقدار میانگین هر شاخص و به ترتیب میزان تأثیرگذاری از مؤثرترین شاخص تا کم‌اثرترین شاخص مرتب شده است.

جدول ۱. شاخص‌های مقیاس محلی به ترتیب اهمیت

رتبه	شاخص	میانگین
۱	ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل (هوایی، زمینی و ریلی)	۴/۴۳
۲	وجود رویکرد امنیتی و سیاسی نسبت به جامعه محلی	۴/۴۰
۳	تصور وجود ناامنی در استان	۴/۲۰
۴	ضعف و ناکارآمدی ساختار سازمانی گردشگری استان	۴/۱۷
۵	عدم تجهیز جاذبه‌های گردشگری استان	۴/۰۷
۶	ضعف مراکز اقامتی (هتل و مسافرخانه)	۴
۶	ناشناخته بودن جاذبه‌های گردشگری استان	۴

رتبه	شاخص	میانگین
۷	عدم هماهنگی و ضعف تعاملات بین سازمان‌های ذی‌ربط گردشگری	۳/۸۳
۸	ضعف و کمبود مراکز اطلاع‌رسانی، تفریحی، امدادی و ...	۳/۷۷
۹	ضعف بازاریابی و تبلیغات اداره کل میراث استان	۳/۷۳
۱۰	ضعف مراکز پذیرایی (رستوران‌های شهری و بین شهری)	۳/۷۰
۱۱	عدم آگاهی جامعه محلی از منافع گردشگری	۳/۶۳
۱۲	عدم مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری	۳/۴۳
۱۳	مرزی بودن و فاصله مکانی زیاد استان از کلان‌شهرهای ایران	۳/۲۹
۱۴	ضعف دیگر زیرساخت‌ها (آب و فاضلاب، انرژی و ...)	۳/۱۴

منبع. یافته‌های میدانی پژوهش

بر اساس اطلاعات جدول ۱ مشخص می‌شود که سه شاخص «ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی، زمینی و ریلی»، «وجود رویکرد امنیتی و سیاسی نسبت به جامعه محلی» و «تصور وجود ناامنی در استان» به ترتیب مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که در مقیاس محلی بر عدم توسعه گردشگری در استان کردستان اثرگذار هستند.

جدول ۲. شاخص‌های مقیاس ملی به ترتیب اهمیت

رتبه	شاخص	میانگین
۱	دیدگاه سیاسی و دینی ایدئولوژیک نسبت به سیاست‌گذاری گردشگری	۴/۶۷
۲	ناکارآمدی ساختار سازمانی گردشگری کشور	۴/۴۳
۳	وابستگی به درآمدهای نفتی و عدم احساس نیاز به درآمدهای گردشگری	۴/۲۴
۴	عدم تعادل منطقه‌ای در کشور در زمینه سیاست‌های توسعه‌ای	۴/۱۳
۵	عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با گردشگری	۴
۵	توجه ناکافی به گردشگری در برنامه‌های توسعه پنج ساله	۴
۶	دخالت سازمان‌های غیرمرتبط در امور گردشگری	۳/۸۷
۶	نگاه ارزشی و جهت‌دار به گردشگری در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (گردشگری مذهبی)	۳/۸۷
۷	ضعف قوانین و مقررات مرتبط با گردشگری	۳/۸۶
۸	مقررات سخت‌گیرانه نسبت به ظاهر و پوشش گردشگران	۳/۸۳
۹	جابه‌جایی سریع مدیران ارشد بخش گردشگری	۳/۸۰

منبع. یافته‌های میدانی پژوهش

همچنین بر اساس اطلاعات جدول ۲، مشخص می‌شود که سه شاخص «دیدگاه سیاسی و دینی ایدئولوژیک نسبت به سیاست‌گذاری گردشگری»، «ناکارآمدی ساختار سازمانی گردشگری کشور» و «وابستگی به درآمدهای نفتی و عدم احساس نیاز به درآمدهای گردشگری» به ترتیب مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که در مقیاس ملی بر عدم توسعه گردشگری استان کردستان اثرگذار هستند.

جدول ۳. شاخص‌های مقیاس جهانی به ترتیب اهمیت

رتبه	شاخص	میانگین
۱	روابط تیره سیاسی میان ایران و کشورهای غربی	۴/۵۰
۲	شکل‌گیری تصویر منفی از ایران در رسانه‌های خارجی	۴/۴۰
۳	انزوای ایران در فرآیند جهانی شدن	۴/۳۷
۴	تحریم ایران توسط شرکت‌های بین‌المللی گردشگری به عنوان کارگزاران گردشگری	۴/۳۳
۵	تعامل ناکارآمد ایران با سازمان‌های بین‌المللی گردشگری	۴/۱۷
۶	عدم حضور فعال ایران در نمایشگاه‌ها و همایش‌های بین‌المللی گردشگری	۳/۸۷
۷	عدم امنیت در منطقه خاورمیانه	۳/۸۰

منبع. یافته‌های میدانی پژوهش

بر اساس اطلاعات جدول ۳، مشخص می‌شود که سه شاخص «روابط تیره سیاسی میان ایران و کشورهای غربی»، «شکل‌گیری تصویر منفی از ایران در رسانه‌های خارجی» و «انزوای ایران در فرآیند جهانی شدن» به ترتیب مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که در مقیاس جهانی بر عدم توسعه گردشگری استان کردستان اثرگذار هستند. در پایان سؤالات مربوط به مقیاس جهانی، یک سؤال کلی به صورت زیر در متن پرسش‌نامه گنجانده شده است که امتیازات به صورت جدول ۴ به دست آمده است.

جدول ۴. درجه‌بندی مقیاس‌های سه‌گانه محلی، ملی و جهانی

مقیاس	امتیاز	رتبه
محلی	۴۳	۳
ملی	۶۹	۱
جهانی	۵۰	۲

منبع. یافته‌های پژوهش

همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقیاس ملی با ۶۹ امتیاز دارای بیشترین اهمیت، مقیاس جهانی با ۵۰ امتیاز دارای امتیاز متوسط و در نهایت مقیاس محلی با ۴۳ امتیاز کم اهمیت‌ترین است.

برای دستیابی به نتیجه فوق سعی شد از روش آماری نیز استفاده شود؛ بدین صورت که میانگین‌های به‌دست آمده برای هر شاخص به‌صورت نمره کمی آن شاخص وارد نرم‌افزار SPSS شد و داده‌ها در سه گروه محلی، ملی و جهانی دسته‌بندی شدند. سپس آزمون تحلیل واریانس یک راهه آنوا^۱ بر روی این داده‌ها صورت گرفت. اگرچه پیش-فرض‌های مورد نیاز برای انجام آزمون تحلیل واریانس برقرار است^۲، اما در جدول آنوا مقدار Sig. بیشتر از ۰,۰۵ است (برابر است با ۰,۰۶۲) و فرضیه صفر که مبنی بر نبود تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های سه گانه است، رد نمی‌شود. این امر بدین معنی است که بین میانگین سه گروه محلی، ملی و جهانی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

به‌نظر می‌رسد تعداد کم آزمودنی‌ها یکی از دلایلی باشد که باعث می‌شود تحلیل آماری فوق معنادار نباشد. نکته‌ای بسیار مهم که در سراسر این تحقیق باید مورد توجه قرار گیرد، محلی، ملی یا جهانی بودن شاخص‌هایی است که در صفحات پیشین مورد بحث قرار گرفت. مراد از این گفته تصریح این موضوع است که مرز قطعی برای تمایز قایل شدن و دسته‌بندی شاخص‌های مذکور بین سه مقیاس محلی، ملی و جهانی وجود ندارد.

برای نمونه شاخص «روابط تیره سیاسی میان ایران و کشورهای غربی» اگرچه در این تحقیق در گروه شاخص‌های مقیاس جهانی تقسیم‌بندی شده است، اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود یک طرف روابط سیاسی مورد اشاره، کشورهای غربی و طرف دیگر آن کشور ایران است. در اینجا اگرچه طرف اول روابط در مقیاس جهانی عمل می‌کند، اما ایران نماینده مقیاس ملی است و در نتیجه نمی‌توان گفت که عملکرد شاخص فوق صرفاً به مقیاس جهانی وابسته است، بلکه رفتار ایران نیز به عنوان نماینده مقیاس ملی، در

۱. ANOVA.

۲. تست نرمالیتی کولموگوروف اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها را در هر سه مقیاس تأیید می‌کند؛ ولی تست شاپیرو-ویلک نرمال بودن داده‌های مقیاس ملی را رد می‌کند (Sig. در آن کمتر از ۰,۰۵ است). همگنی واریانس‌ها نیز برقرار است و Sig. در آزمون یون برابر است با ۰,۴۱۲.

عملکرد این شاخص و تأثیری که روابط سیاسی بر توسعه و عدم توسعه گردشگری می‌گذارد، تعیین‌کننده است.

نتیجه این است که بسیاری از شاخص‌های مورد بررسی معمولاً حالتی سیال میان دو مقیاس محلی و ملی یا دو مقیاس ملی و جهانی دارند، یعنی مقیاس‌های محلی و جهانی از هر دو سوی با مقیاس ملی در ارتباطند و مقیاس ملی حلقه اتصال آن دو است و تأثیرگذاری مقیاس جهانی را بر محلی کنترل می‌کند. بر همین اساس می‌توان با تأکید بیشتری از اثرگذاری مقیاس ملی به نسبت دیگر مقیاس‌ها سخن گفت.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد مقیاس ملی در عدم توسعه گردشگری استان کردستان تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

همانطور که پیش از این نیز گفته شد، مقیاس ملی، سطح متوسط و بینابینی میان مقیاس‌های محلی و جهانی است که مستقیماً با مقیاس‌های مزبور در تعامل و کنش متقابل است. قرار گرفتن بین مقیاس‌های جهانی و محلی باعث می‌شود که مقیاس ملی توانایی بیشتری برای اثرگذاری داشته باشد؛ چرا که مقیاس ملی و نوع ارتباط دولت‌های ملی با جهان است که نوع و میزان روابط مقیاس محلی را با دنیای خارج و مقیاس جهانی کنترل می‌کند. عملکرد مقیاس جهانی از آن جهت به مقیاس ملی وابسته است که ورود به فضای بین‌المللی از طریق فیلتر ملی انجام می‌شود و نمایندگان کشورها هستند که با اجتماع و تشکیل نهادهای بین‌المللی، واحدهای ملی خود را نمایندگی می‌کنند.

ایران به عنوان یک واحد ملی به سبب تمرکز در نظام اداری و سیاسی خود با شدت بیشتری به ایفای نقش بینابینی میان واحدهای فروملی خود و نهادهای بین‌المللی و فراملی در مقیاس جهانی می‌پردازد. در ارتباط با مقیاس جهانی، نمایندگی ایران در نهادهای بین‌المللی فقط به وسیله نمایندگی ملی واحد صورت می‌گیرد و نمایندگی دولتی نیز در نهادهای فراملی تنها سیاست‌های ملی کشور ایران را پیگیری می‌نماید. در چنین شرایطی تعامل ایران با نهادهای بین‌المللی متغیر از سیاست‌های دولت ایران است و از طرف مقابل نهادهای بین‌المللی نیز برای ارتباط با ایران فقط رفتارهای دولت ایران را به عنوان نماینده این واحد ملی ملاک عمل قرار می‌دهند.

در مقیاس محلی نیز به سبب متمرکز بودن ساختار سیاسی و اداری کشور ایران، واحدهای فروملی و از آن جمله استان کردستان توانایی چندانی برای ایفای نقشی خاص و ویژه ندارند؛ زیرا در واحدهای فروملی ایران (استان‌ها) تمامی ابعاد و از آن جمله وضعیت توسعه یافتگی گردشگری به نسبت زیادی تحت تأثیر سیاست‌های بالا به پائینی است که از مرکز اداری و سیاسی کشور تجویز می‌شود. این تأثیرگذاری به حدی است که گاه تفاوت میان استان‌های هم جوار تنها از طریق مرزهای اداری روی نقشه قابل تشخیص است. در چنین شرایطی موفق بودن یک استان در توسعه فعالیتی چون گردشگری نه به دلیل توانایی آن استان در به فعل در آوردن توانایی‌های بالقوه خود، بلکه به دلایلی چون جغرافیای متفاوت آن و برنامه‌های خاص دولت برای توسعه آن استان است. در چنین شرایطی قرار گرفتن در راستای ارزش‌ها و سیاست‌های دولت مرکزی، تنها شرط لازم و کافی برای توسعه یافتگی می‌شود و در غیر این صورت دستیابی به توسعه، غیرممکن است.

در ارتباط با گردشگری نیز تمامی موارد یادشده صادق است. نمایندگی واحد ایران در عرصه‌های فراملی علاوه بر این‌که واحدهای فروملی ایران را از برقراری ارتباط مستقل با بیرون از مرزهای کشور برای توسعه گردشگری محروم کرده است، همچنین سبب شده تمامی عواقب منفی تعامل مخدوش دولت مرکزی ایران با نظام جهانی نیز همچون تبلیغ نامناسب و شکل‌گیری تصویر نامناسب از مقصدهای گردشگری در ایران و تحریم‌های بین‌المللی متوجه واحدهای فروملی شود.

همچنین در مقیاس محلی نیز استان کردستان به‌عنوان یک واحد فروملی در بیشتر زمینه‌ها همچون ساختار سازمانی گردشگری، وضعیت زیرساخت‌ها و روساخت‌ها، نیروی انسانی گردشگری و ... تحت تأثیر مستقیم سیاست‌های مقیاس محلی است و اگرچه در مواردی چون جامعه محلی، موقعیت جغرافیایی و نوع جاذبه‌های گردشگری دارای وضعیت منحصر به فرد است، اما سیاست‌های بالا به پائین و مرکزگرایی شدید، مانع از شکوفایی استعدادهای استان می‌شود.

با توجه به موارد مذکور و نیز نتایج پرسش‌نامه که نشان‌دهنده اهمیت بیشتر مقیاس ملی در مقایسه با مقیاس جهانی و مقیاس محلی است، می‌توان گفت که فرضیه اول تحقیق مورد قبول واقع می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد عوامل سیاسی در هر سه مقیاس محلی، ملی و جهانی بیشترین نقش را در عدم توسعه گردشگری در استان کردستان ایفا می‌کند.

فرضیه فوق از آنجا مطرح شده است که بسیاری از مطالعات گردشگری که در قالب مقالات علمی، پایان‌نامه‌های دانشجویی و کتب حوزه گردشگری منتشر می‌شوند و سعی در توضیح و تبیین وضعیت موجود گردشگری ایران دارند، واقعیات آشکار تأثیرگذار بر گردشگری را نادیده گرفته و در ریشه‌یابی وضع موجود موارد سطحی و حاشیه‌ای را به عنوان علل عدم توسعه گردشگری بیان می‌کنند. در حالی که در کشور ایران به دلایلی که در صفحات پیشین یاد شد، گردشگری با مشکلات جدی‌تری روبه‌روست و می‌توان گفت بیشتر مواردی که در مطالعات حوزه گردشگری ایران به عنوان دلایل عدم توسعه گردشگری مطرح است، خود معلول مشکلاتی است که در بخش مقیاس ملی و جهانی به آن اشاره شد. می‌توان گفت مشکلات گردشگری ایران بیشتر از اینکه فنی و ذاتی خود گردشگری باشد، سیاسی و خارج از دایره گردشگری است. بر این اساس فرضیه فوق مطرح شده و در متن پرسش‌نامه علاوه بر موارد معمول که تاکنون علل عدم توسعه گردشگری ایران و استان کردستان ذکر شده‌اند، شاخص‌های سیاسی نیز در بین سؤالات مربوط به هر مقیاس گنجانده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که در سه مقیاس محلی، ملی و جهانی مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار بر گردشگری استان کردستان به ترتیب عبارتند از: «ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی، زمینی و ریلی»، «دیدگاه سیاسی و دینی ایدئولوژیک نسبت به سیاست-گذاری گردشگری» و «روابط تیره سیاسی میان ایران و کشورهای غربی». در مقیاس محلی دومین شاخص، «وجود رویکرد امنیتی و سیاسی نسبت به جامعه محلی» است که با تفاوت ناچیزی در رتبه دوم قرار دارد. بنابراین می‌توان گفت در مقیاس محلی به‌طور غیرمستقیم و در مقیاس‌های ملی و جهانی به‌طور مستقیم، عوامل سیاسی بیشترین

تأثیرگذاری را بر عدم توسعه گردشگری استان کردستان دارند و به این ترتیب فرضیه دوم تحقیق نیز مورد قبول واقع می‌شود.

نتیجه‌گیری

توسعه گردشگری در مقیاس محلی نیازمند هم‌سویی با جریان‌ها و روندهای جاری در مقیاس‌های بزرگتر است. نمی‌توان اطمینان یافت که با فراهم شدن امکانات سخت‌افزاری همچون شبکه حمل‌ونقل، هتل، رستوران و جاذبه‌های تجهیز شده در مقیاس محلی، گردشگری به خودی خود توسعه می‌یابد. توسعه گردشگری در واحد فروملی استان کردستان به‌طور مستقیم متأثر از جو حاکم بر واحد ملی کشور ایران است.

با توجه به ساختار نظام سیاسی متمرکز ایران، روند برنامه‌ریزی بالا به پایین و مرکز‌گرا باعث می‌شود که خصایص و توان‌های ویژه واحدهای فروملی برای ایفای نقش منحصر به‌فرد خود، در سایه تصمیماتی که در مرکز برای حاشیه اتخاذ می‌شود، رنگ ببازد. در چنین شرایطی سیاست‌ها و ارزش‌های حاکم بر مرکز در شرق و غرب کشور به‌طور یکسان انعکاس می‌یابد و حاشیه تحت تأثیر سیاست‌های تجویزی مرکز اداری و سیاسی کشور قرار می‌گیرد. در این شرایط توسعه گردشگری در مقیاس محلی با تمام لوازم آن از قبیل توسعه ساختار سازمانی، پرورش نیروی انسانی متخصص، تجهیز و حفاظت جاذبه‌ها، توسعه زیرساخت‌های مکمل گردشگری و روساخت‌های خاص گردشگری، کاملاً تحت تأثیر نوع دیدگاه سیاست‌گذاران کشوری به گردشگری قرار می‌گیرد.

از طرفی دیگر ارتباط نظام جهانی با واحدهای فروملی به دلیل لزوم عبور از فیلتر واحدهای ملی محدود است و تمامی ارتباطات از طریق تعامل واحد ملی با نظام بین‌المللی و نهادهای آن صورت می‌گیرد که کیفیت این تعامل جهانی-ملی، به‌صورت غیرمستقیم واحدهای فروملی را متأثر می‌سازد. در ایران و در شرایطی که تعامل با نظام بین‌المللی از نظر سیاسی و اقتصادی در بسیاری از جهات دارای کمبودها و تعارضات اساسی است و نیز در شرایطی که سیاست‌های ملی از بالا به پایین به واحدهای فروملی

تحلیل می‌شود، مقیاس ملی دارای بیشترین تأثیرگذاری در توسعه گردشگری استان کردستان به عنوان یک واحد فروملی است.

در نهایت باید گفت که نظریه مورد استفاده در این تحقیق تاکنون در حوزه گردشگری مورد استفاده قرار نگرفته و مشاهده نشده است که به این سبک در مطالعات گردشگری مورد استفاده قرار گیرد و این مسأله محدودیت‌هایی را در بخش مبانی نظری تحقیق به وجود آورده است. تحقیق پیش رو با رویکردی متفاوت با روند رایج مطالعات گردشگری در ایران عوامل تأثیرگذار بر گردشگری را در چارچوبی کل‌نگر در استان کردستان، به عنوان یک مقصد گردشگری مورد بررسی قرار داد و بر خلاف بسیاری از تحقیقات گردشگری که در سال‌های اخیر در ایران انجام شده است، این تحقیق حوزه بررسی عوامل مؤثر بر گردشگری را فراتر از مرزهای استان، بلکه در مقیاس ملی و جهانی در نظر گرفت و دلیل چنین رویکردی به اعتقاد محققان برمی‌گردد که بر آنند دلایل وضعیت کنونی مقصدهای مختلف گردشگری در ایران را نه صرفاً در داخل آن‌ها، بلکه باید در حوزه‌های بیرونی و در مقیاس‌های وسیع‌تر جست‌وجو کرد.

در این تحقیق عناصر گردشگری در مقیاس محلی همچون جاذبه‌ها، رو ساخت‌ها، زیرساخت‌ها و نیروی انسانی به عنوان شروط لازم و نه کافی برای توسعه گردشگری مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی تحقیق هر دو بیانگر این واقعیت است که در کنار این موارد توجه به عوامل سیاسی خارج از حوزه گردشگری بسیار بیشتر واقعیات این حوزه را روشن می‌سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در هر سه مقیاس محلی، ملی و جهانی، نارسایی‌های سیاسی بیشتر از کمبودها و نقایص لازمه‌ها و عناصر ذاتی گردشگری برای توسعه این فعالیت، محدودیت ایجاد کرده است. نتیجه اینکه تا زمانی که نوع نگرش به گردشگری در میان سیاست‌گذاران مقیاس ملی اصلاح نشود، توسعه گردشگری در مقیاس محلی امری دشوار و حتی غیرممکن خواهد بود.

منابع

آذرخواه، یدالله. (۱۳۹۰). «تبیین آثار مقیاس‌های جهانی، ملی و محلی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه‌گرایی در ایران». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته جغرافیای سیاسی. دانشگاه تهران.

اینسکیپ، ادوارد. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی گردشگری: رویکردی یکپارچه و پایدار به برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری. ترجمه: محمود حسن‌پور و سعید داغستانی. چاپ اول. انتشارات مهکامه.

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.

حسینی، سیدفرهاد؛ احمدی، پرویز؛ خداداد حسینی، سیدحمید. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیرگذاری توسعه گردشگری قومی بر موضوعات اجتماعی و فرهنگی جامعه». مدیریت شهری. شماره ۲۶. صص ۱۸۰-۱۶۳.

ذکی، یاشار. (۱۳۸۸). «تحلیل تأثیرات متقابل مقیاس‌های جهانی، ملی و محلی در جغرافیای سیاسی». رساله دوره دکتری در رشته جغرافیای سیاسی. دانشگاه تهران.

ذکی، یاشار؛ ولی‌قلی‌زاده، علی؛ زارعی، بهادر. (۱۳۹۴). «تحلیل فضای وابستگی و فضاها پیوستگی منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس». جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای. شماره ۱۷: ۷۰-۵۱.

سازمان جهانی جهانگردی. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای جهانگردی. ترجمه: محمود عبدالله‌زاده. چاپ پنجم. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

گی، وای چاک. (۱۳۸۲). جهانگردی در چشم‌اندازی جامع. ترجمه: علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. چاپ دوم. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه: ژرژ میرحیدر و سید یحیی صفوی. چاپ اول. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

میرحیدر، ژرژ؛ ذکی، یاشار. (۱۳۸۹). «مفهوم مقیاس جغرافیایی و اهمیت آن در جغرافیای سیاسی پست-مدرن». فصلنامه ژئوپلتیک. سال ششم. شماره اول. صص ۳۶-۵.

میرحیدر، ژرژ. (۱۳۷۶). «اندیشه‌ها و دیدگاه‌های جدید در جغرافیای سیاسی». تهران: فصلنامه فرهنگستان علوم. شماره ۶: ۴۶-۲۹.

Goeldner, Charles R. and Ritchie, J. R. Brent, (2009). Tourism: principles, practices, philosophies, Eleventh edition, John Wiley and Sons Inc, New Jersey.

Page, Stephen J. and Hall, C. Michael, (2004). The Geography of Tourism and Recreation, Routledge, London.

Sharpley, Richard and Telfer, David J., (2008). Tourism and Development in the developing world, Routledge, New York

Tucker, Hazel, (2003). Living with Tourism. , Routledge, London.